

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

۱۱ جون ۲۰۱۷

## حمایت آشکار "شورای علماء" از اداره مستعمراتی

وقتی ۱۵ سال قبل امپریالیزم جنایتگستر امریکا و شرکاء به بهانه مبارزه علیه تروریسم و خلع قدرت جبارانه طالب بر افغانستان لشکر کشیدند و مردمان کشور ما را به همان بهانه های به خاک و خون کشیدند، این قلم یکی از معدود کسانی بود که ضمن مبارزه علیه طالب، با استواری تمام درفش مبارزه علیه امپریالیزم امریکا و شرکا را نیز بر افراشته در رساله "آزمونی از نو یا رسالت دیگر" با صراحت تمام نوشتم:

"به همان سانی که نفرت به حق ما از طالب، نباید باعث گردد تا به دنباله تجاوزگران مبدل بگردیم، به همان سان می باید سخت متوجه و مراقب باشیم که نفرت و انزجار آزادیخواهانه ما علیه امپریالیزم جنایتگستر امریکا و شرکاء، ما را در حلقه طالبی گرفتار نسازد" - نقل به مضمون

برخورد آگاهانه و صادقانه به تاریخ این برهه از گذشته میهن ما یعنی از تجاوز امپریالیزم امریکا و شرکاء بدین سو، به وضاحت نشان می دهد که با تأسف گذشته از بخش های وسیعی از توده های نا آگاه، حتا مدعیان مبارزه و انقلاب نیز نتوانستند و یا هم نخواستند به آن ندای مسؤولانه توجه نموده، دامن شان را از لغزیدن به مرداب های تسلیم طلبی طبقاتی و ملی منزه نگهدارند.

بودند و هستند نهاد هائی که با وجود گذشته پر افتخار بر مبنای نفرتی که از اخوان و طالب داشتند، زیر نام مبارزه با طالب به اردوی تجاوز لغزیده به کاسه لیس استعمار و تجاوز مبدل گردیدند و عکس آن باز هم بودند کسانی به بهانه مبارزه علیه تجاوز، بر شمشیر خونچان طالب، بوسه تطهیر زدند.

این نکته را بدان علت ننوشتم تا بادی به غیغب انداخته خود را بهتر از دیگران معرفی بدارم، بلکه بدان علت نگاشتم که با تأسف کشور ما بار دیگر در وضعیت مشابهی قرار گرفته، یعنی در یک طرف دولت دست نشانده با تمام طول و عرض آن و در طرف دیگر جمعیت اسلامی و شورای نظار.

این نکته را قبلاً خدمت تان نگاشتم که تظاهرات روز جمعه تا حد زیادی خود جوش بوده، در آغاز هیچ ربطی به جمعیت اسلامی و شورای نظار که خود تا هنوز بخشی از حاکمیت مستعمراتی را ساخته اند، نداشت. به اساس گفته آنانی که در آن روند مستقیماً سهم داشتند و از صبح الی ختم تظاهرات زنده باد و مرده باد گفته بودند، جمعیت

اسلامی و شورای نظار، سایه شوم شان را زمانی بر تظاهرات خودجوش مردم پهن کردند، که دولت دستنشانده به دستور بادرانش در کاخ سفید بر روی مظاهره چپان بی سلاح فیر نموده تعدادی از آنها را به خاک و خون کشانید. دیدن چنین وضعیتی تئی چند از افراد شورای نظار و سایر خاینان به ملت را جرأت داده، تقریباً بعد از ختم تیراندازی پای به میدان گذاشته، شروع کردند به تحریف شعارهای مظاهره چپان و خود را مطرح نمودن.

با آن که این مسأله تا هنوز روشن نیست که آیا واقعاً شورای نظار و جمعیت می خواهند از وضع موجود برای شان چیزی به دست بیاورند و یا این که در اساس جمعیت و شورای نظار به مثابه کبوتران بال قیچی دولت دست نشانده، به دستور اشغالگران خود را داخل معرکه نموده، تا از رادیکالیزه شدن حرکت جلوگیری و آن را در مرداب سازش با اداره مستعمراتی کابل بکشانند، باز هم دیده می شود که تعدادی از افراد، به اساس نفرت به حقی که نسبت به جمعیت و شورای نظار دارند، آگاهانه و یا هم ناآگاهانه با حمایت از اداره مستعمراتی در عمل در کنار امپریالیزم و دولت دست نشانده آنها قرار می گیرند.

این عده افراد که نمی دانم به آنها چه خطاب نمایم، بدون آن که ماهیت دولت دست نشانده را در نظر بگیرند، بدون آن که این نکته را در نظر بگیرند که اداره مستعمراتی هیچ ربطی به هیچ یک از اقوام کشور ما نداشته، ابزار است در دست امپریالیزم جهت تحقق اهداف کوتاه مدت و دراز مدت امپریالیزم، بدون آن که حد اقل خود را زحمت بدهند که وقتی در یک سمت شورای نظار و جمعیت اسلامی را می بینند در سمت دیگر تشکیلات بازسازی شده بخش هایی از اکسا و کام و از همه مهمتر گلبدین جنایتکار و باندش را ببینند، بدون آن که به خود زحمت دهند باند سید منصور نادری را با گذشته آلوده و جنایتکارانه اش و نقشی که همین اکنون در حمایت از اداره مستعمراتی به عهده دارند، توجه آنها را جلب نماید، تظاهرات خود جوش مردم را به جای آن که با کار و بیکار آگاهانه از دستبرد شورای نظار و جمعیت اسلامی و سایر کلاهبرداران سیاسی حفاظت نمایند، خوشحال از این اند که گویا علیه شورای نظار و جمعیت مبارزه می کنند. با تأسف چنین افرادی هیچ متوجه نیستند با هرگامی که بر می دارند، به تقویت میهنفروش ترین جناح حاکمیت مستعمراتی مشغول هستند.

چنین افرادی که آگاهانه و یا هم نا آگاهانه در خدمت دشمنان خلق ما قلم می زنند، با تأسف تنها نیستند. وقتی انسان از طریق رسانه های تا مغز استخوان وابسته به امپریالیزم می شنود که به اصطلاح "شورای علمای افغانستان" در یک جلسه اضطراری، اعتصاب و خیمه زنی را ضد اسلامی و حرام معرفی نموده، دولت را در سرکوب آنها ذی حق معرفی می دارد، اگر فردی از ظرفیت هوش یک الاغ هم برخوردار باشد باید بداند که در عقب تمام این سیاست ها اشغالگران قرار دارند ورنه به اصطلاح "شورای علمائی که تا آن حد از وجدان انسانی بی خبر است که با وجود تمام جنایات طالب و داعش در جریان همه سالها و با وجود آن که آنها از کشته ها پشته ساخته اند و با وجودی که در جریان این همه سال یعنی از اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۲ تاکنون به اعتراف احصائیه های خود اشغالگران، بیش از ۳۰۰ هزار افغان بیگناه به دست تجاوزگران امریکائی و شرکاء مظلومانه به قتل رسیده اند، این دین فروشان یک بار جرأت نکرده اند تا اعمال آنها را زیر سؤال برده محکوم نموده حرام بدانند. مگر وقتی چند ده هزار نفر در مقابل با دولت دست نشانده و حامیان آن به خیابانها می ریزند و از آنها صرف امنیت می خواهند و به جای امنیت با گلوله های آتشین سینه های شان سوراخ می گردد و آنها یا به اساس تقنین جمعیت و شورای نظار و یا هم به اساس احتراز از قربانی بیشتر، مبارزه شان را با شکل دنی تری ادامه داده خیمه می زنند و راه بدانان به وجود می آورند به یک باره دین فروشان از خواب غفلت بیدار شده به یاد چماق تکفیر می افتند.

من نه حالا و نه هم هیچ گاهی از مشتی دین فروشی که به نام "شورای علماء" از خوان نعمت استعمار ارتزاق می نمایند انتظار شرافت و وجدان نداشته و در آینده نیز نخواهم داشت تا علیه خالقان و زارقان شان فتوائی صادر نمایند، اما از آنهایی که دم از مردم، انسانیت، مبارزه و حتا انقلاب می زنند هیچ گاهی انتظار نداشتیم تا چشم بسته در کنار "غنی" و "اتمر" ایستاده در معیت تازه داماد حجله مهین فروشان یعنی "گلبدین" این سفاک ترین دشمن خلق به خصوص نیروهای انقلابی، حرکت مردم را به دلیل و یا به بهانه حضور جمعیت اسلامی و شورای نظار محکوم نمایند.

خوانندگان نهایت عزیز!

در اینجا نه پای حمایت از جمعیت و شورای نظار در میان است و نه هم مقایسه آنها. چه به گفته همکار عزیز پورتال آقای "سید موسی عثمان هستی" دم سگ هم سگ است و سر آن هم. چه برای آنهایی که از منظر دافع از حریت و استقلال افغانستان و آزادی مردم آن به قضیه می نگرند، جمعیت و شورای نظار به مانند حزب "حق و عدالت" مربوط "حنیف اتمر" و به مانند تشکل مافیائی "سید منصور نادری" و به مانند باند "گلبدین" و خودش، همه دشمنان مردم اند که حمایت از هر یک از آنها وجدان و شرافت خود را به حراج گذاشتن است.

در اینجا بحث روی این است که آیا مردم افغانستان در کلیت آن، حق دارند علیه اداره مستعمراتی کابل دست به تظاهرات و یا اشکال دیگری از مبارزه بزنند و یا خیر؟

هرگاه حق دارند آیا این حق مشروط است و یا مطلق؟ آیا مشروط به این است که در اول جمعیت و حزب و یا کدام نهاد دیگری را از صفوف شان بزدايند بعداً به مبارزه روی آورند و یا عکس آن آنها وظیفه دارند همزمان با پیشبرد مبارزه شان علیه اشغالگران و ایادی آن در قالب جمعیت و شورای نظار و سایر طیف های ارتجاع هار مذهبی و کلیت اسلام سیاسی، صفوف خویش را به منظور تضمین رسیدن به هدف از وجود خاینان منزله نگهدارند؟

گذشته از آن در چنین حالتی، برای آنهایی که دم از مردم می زنند وظیفه چیست؟ در گوشه تاریکی نشستن و مردم را در صحنه تنها گذاشتن و از دور روضه پسران مسلم و سربریده حسین بن علی را خواندن که گویا جمعیت و شورای نظار در تظاهرات حصه دارند لذا چنان تظاهراتی محکوم است و یا عکس آن، شجاعانه در میدان وارد شدن و مردم را در تصفیة صفوف شان از ایادی دشمن یاری نمودن؟؟

خوانندگان نهایت عزیز!

این را حتماً شنیده اید که تاریخ به نیت افراد قضاوت نمی کند بلکه نتیجه عملکرد آنها را معیار قضاوت خود قرار می دهد. اگر مسأله چنین است که است، هر کس به هر بهانه ای که خواسته باشد حرکت مردم علیه حاکمیت مزدور و جنایتکار کنونی را تبرئه نماید، باید این را بداند که در نهایت در کنار "گلبدین" ها و "غنی" جایگاهش را انتخاب نموده است.

ایادی و جیره خواران اداره مستعمراتی کابل در تمام خیمه شب بازی های رسانه ئی خود می کوشند از طریق تخویف مردم ما که اگر این "دولت" نباشد پس "چه" باشد، هراسان ساخته می خواهند علیه مظاهره چی ها تحریک نمایند. کسی نیست از آنها بپرسد، تا حال که این یک مشت دزد و وطنفروش بوده اند چه گلی بر سر مردم زده اند و اشک از چشم کدام طفل یتیمی زوده اند که در نبودن آنها سر بی گل باقی مانده چشمان اشک آلود شوند.

این که گفته اند بالاتر از سیاهی رنگی نیست درست در همین مورد صدق می کند وقتی در موجودیت آنها طی ۱۵ سال بیش از ۳۰۰ هزار قربانی داشته ایم به یقین در نبودن آنها روز ما بدتر از این نخواهد شد.

بر می گردم به همان حکم ۱۵ سال قبل:

همچنان که نفرت ما از جمعیت اسلامی و شورای نظار نباید ما را در دام دولت دست نشانده انداخته و در باتلاق تسلیم طلبی ملی غرق نماید، به همان سان ضدیت ما با دولت دست نشانده نباید ما را به حمایت علنی و یا مخفی باند های و ابسته به اسلام سیاسی من جمله جمعیت اسلامی و شورای نظار انداخته، ما را با هویت مبارزاتی ما بیگانه بسازد.

به نظر من در چنین حالتی همه ما وظیفه داریم تا در کنار مردم خود ایستاده، ضمن مبارزه با دولت دست نشانده و حامیان آن، مردم را بآگاهان انقلابی از گزند خطرات سایر نیروهای ارتجاعی من جمله جمعیت و حزب اسلامی نیز حراست نمائیم.